فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی ۲، پاییز ۱٤۰۲، صفحات۱۱٤-۹۲

مقاله پژوهشی

بررسی معنایی جامعه‌شناسی در ایران

تقی آزادارمکی[۱]؛ زهرا خستو[۲]

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۲/۰٤/۰۹

چکیده

در بررسی تحولات توسعه‌ای جامعه‌شناسی در ایران، تغییرات کمی و کیفی، به عنوان شاخصی مهم در شناخت این تحولات مورد توجه بوده است. این مطالعه بر اساس رویکرد نسلی، به بررسی متونی می‌پردازد که جامعه‌شناسی در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. در بررسی معنای جامعه‌شناسی در میان نسل‌ها این پرسش مطرح می‌شود که رویکردهایی که در گذشته، جامعه‌شناسی را مورد بررسی قرار داده‌اند چگونه بوده‌اند و تا به امروز چه تغییراتی داشتند؟ با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی محتوای ۱۸٦ آثار مکتوب پرداخته شد که در دهۀ ۷۰ و ۸۰ به‌طور اختصاصی، جامعه‌شناسی در ایران را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. گفتمان حاکم بر تحلیل‌های موجود از جامعه‌شناسی در ایران، گفتمان توسعه با جهت‌گیری آسیب‌شناسانه است. نسل سومی و چهارمی‌ها، جامعه شناسی را در خدمت توسعۀ ملّی و حل مسائل اجتماعی می‌بینند. اما نسل جدید، کمتر سیاست را برجسته می‌کند و گرایش بیشتری به تاریخ و رویکردهای کیفی در بررسی جامعه‌شناسی در ایران دارد.

واژه‌های کلیدی: تحول معنایی جامعه‌شناسی؛ مناسبات نسلی؛ گفتمان توسعه با رویکرد آسیب‌شناسانه.

۱. استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسندۀ مسؤول).

tazad@ut.ac.ir

۲. دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

zahra_khasto@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

مقدمه و طرح مسأله

در سیر تحول جامعه‌شناسی در ایران، نظام آموزشی و دانشگاهی با پذیرش دانشجویان بسیار و ایجاد گرایشات جدید در این رشته، کادر آموزشی و تعداد دانشجویان را فزونی بخشید. می‌توان رشد کمی و نهادی این رشته را یکی از عناصر توسعهٔ آن دانست، اما از توجه به تغییرات کیفی و محتوایی نمی‌توان غافل بود. در سال‌های اخیر توجه به شاخص‌های کیفی در بررسی توسعهٔ جامعه-شناسی در ایران از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است. بسیاری از محققان در بررسی رشد کیفی جامعه‌شناسی در ایران به مسائل روش‌شناسی و نبود روش‌شناسی منسجم در جامعه‌شناسی پرداخته‌اند و از سوی دیگر به ایجاد عناصری چون تعاملات، فضای گفت‌وگو، نقد و تقویت روحیهٔ نقدپذیری و ایجاد روش‌شناسی منسجم تأکید می‌کنند.

عدم تولید نظریه، فقدان شکل‌گیری حوزه‌های فکری و پارادایمی، از اساسی‌ترین چالش‌های جامعه‌شناسی در ایران است که همواره مورد تأکید و نقد جامعه‌شناسان نیز بوده است. از سوی دیگر بسیاری، این فقدان‌ها را شاخصی مهم در عدم کارایی جامعه‌شناسی در ایران می‌دانند که نتوانسته است راه‌حل‌هایی را در حل مسائل اجتماعی و برون‌رفت از آنها ارائه دهد (ولد بیگی و قبادی، ۲۰۱۱). در مقابل، این فرض نیز وجود دارد که نادیده گرفتن جامعهٔ ایرانی بیشتر متأثر از فضای سیاسی و بوروکراتیک جامعه بوده است تا محتوای جامعه‌شناسی و عدم نظریه‌سازی در شناسایی مسائل جامعهٔ ایران (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷). تعدادی نیز با اعتقاد به ناکارآمدی جامعه‌شناسی در ایران با نگاهی آسیب‌شناسانه به بررسی جامعه‌شناسی در ایران پرداخته‌اند (فاضلی، ۱۳۸٦). در واقع با مروری بر دیدگاه‌هایی که به بررسی جامعه‌شناسی در ایران پرداخته‌اند، زنجیره‌ای از انتقادات به جامعه‌شناسی ایجاد شده است که با دیدگاهی آسیب‌شناسانه به جامعه‌شناسی در ایران نگاه می-کنند.

بیش از هشتاد سال است که جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های ایران حضور دارد، حضوری که کنش‌های متقابل، تعاملات، تولیدات و مناسک تعامل را میان نسل‌ها به همراه داشته است، آثار و تولیدات به عنوان سرمایه‌های فرهنگی این میدان، می‌توانند بیان‌گر بخشی از مناسبات نسلی در جامعه‌شناسی ایران باشند. نکتهٔ مهم آن است که بررسی آثاری که به جامعه‌شناسی در ایران پرداخته-اند به ما در فهم تغییرات مفهومی و نگرشی به جامعه‌شناسی در میان نسل‌های متفاوت کمک می‌کنند. این مطالعه نیز با رجوع به آثار تولید شدهٔ جامعه‌شناسان که به بیان مسائل و دیدگاه‌های خود نسبت به جامعه‌شناسی در ایران پرداخته‌اند، سعی دارد تا به بررسی تحولات مفهومی و معنایی جامعه‌شناسی در میان نسل‌ها بپردازد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

موضوع نسل‌ها در بحث‌های تاریخی و تغییرات اجتماعی می‌تواند یکی از عوامل تبیین‌کنندهٔ تغییرات اجتماعی و تاریخی باشد. متفکرانی چون اینگلهارت، مانهایم، گیدنز، وایت و بوردیو به نقش نسل‌ها در تغییرات فرهنگی و اجتماعی پرداخته‌اند. جامعه‌شناسی نیز یکی از موضوعاتی است که می‌توان تغییرات رخ داده در آن را بر اساس مناسبات نسلی مورد بررسی قرار داد.

در حالی که در سال‌های گذشته، همواره تعداد متقاضیان ورود به این رشته در مقاطع ارشد و دکتری افزایش یافته است، آزاد ارمکی (۱۳۸۹) میزان توسعه‌یافتگی این رشته را بر اساس تغییرات و ارتباطات و مناسبات نسلی مورد بررسی قرار می‌دهد و معتقد است با وجود مناقشات نسلی در جامعه‌شناسی ایران، این علم هنوز دچار بحران مشروعیت در نوع استفاده از آن برای شناسایی وضعیت‌های اجتماعی است. به علاوه او معتقد است جامعه‌شناسی در ایران در تغییرات نسلی و اجتماعی به طرح مسائل جدید پرداخته است و درصدد ورود به جامعه‌شناسی واقع‌گرایانه است تا بتواند مسائل جامعهٔ مدرن را بشناسد. او بر اساس رویکرد نسلی از چهار نسل در جامعه‌شناسی ایران سخن می‌گوید. تأکید آزادارمکی بر نسل چهارم جامعه‌شناسان در ایران است که حضور آنها نویدبخش تغییراتی برای آیندهٔ جامعه شناسی است که بر مسائل زندگی روزمره توجه دارند. اما او نیز به مانند قانعی‌راد (۱۳۸۵) همواره بر این اعتقاد است که جامعه‌شناسی ایران از" فقدان شکل‌گیری حوزه‌های فکری و پارادایمی و تحقیقاتی" رنج می‌برد.

در خصوص اهمیت این مطالعه نیز، این نکته قابل بیان است که اظهارنظرها در مورد جامعه-شناسی در ایران بر اساس تجربه‌های فردی می‌باشد، اما آثار فکری و نگرش جامعه‌شناسان به خود جامعه‌شناسی به عنوان یک سوژه از طریق مطالعهٔ کیفی و تحلیل آثاری که منحصرا به جامعه‌شناسی در ایران می‌پردازند، به ما در شناخت موقعیت جامعه‌شناسی در ایران که برآمده از تحقیق کیفی است، کمک می‌کند. این مطالعه نیز بر اساس رویکرد نسلی به دنبال شناخت رویکردهایی است که نسبت به جامعه‌شناسی وجود دارد.

هدف عمدهٔ این تحقیق، بررسی تطور معنایی و مفهومی جامعه‌شناسی در ایران و رویکردهای موجود در آن بر اساس رویکردهای نسلی است و در پی پاسخ به این سؤالات هستیم:

۱.رویکردهایی که در گذشته نسبت به جامعه‌شناسی وجود داشته است چه بوده است و تا به امروز چه تغییراتی در این رویکردها ایجاد شده است؟

۲.رویکرد نسل چهارمی‌ها به جامعه‌شناسی در ایران چگونه است؟ آیا جامعه‌شناسی در بین آنها به یک ساحت معنایی، مسأله‌ای و گفتمانی رسیده است یا خیر؟

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

مروری بر ادبیات نظری

زمانی‌که علم در متن و بستر جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد، این تصور وجود دارد که هم‌گام با تغییرات اجتماعی، علم نیز تحت تأثیر قرار گرفته است و شاهد تحولاتی در این حوزه خواهیم بود. به علاوه می‌توان گفت عوامل ساختاری و پارامترهای اجتماعی به تنهایی نمی‌توانند در این تغییرات اثرگذار باشند، بلکه بر اساس رویکردی تلفیقی، کنش‌گران نیز به نوبهٔ خود فراتر از تأثیر ساختارها و هنجارها می‌توانند با عملکرد خود با این تغییرات هم‌ساز باشند و یا مسیر حرکت آنها را تغییر دهند. محتوا و تصورات نسبت به علم و قضایای علمی نیز می‌تواند با توجه به رویکردهای نسلی تغییر یابد، این تغییرات، خود را در نوع تفکرات، رفتارها، جهت‌گیری‌ها، تعداد مقالات در مورد یک موضوع، اتخاذ روش‌های متفاوت در مطالعه و ... خود را نشان می‌دهد.

مانهایم[3] نیز در اهمیت نقش نسل‌ها در تغییرات فرهنگی و شناختی بر این اعتقاد است که گرایشات فکری و فرهنگی یک نسل، تأثیر مهمی در حیات آن نسل دارد. اما از نظر او آموزش و پرورش نقش مهمی در همانندسازی نسل آینده با هنجارهای فرهنگی ایفا می‌کند. او معتقد است شیوهٔ تفکر افراد بیش از آنکه به خود آنان بستگی داشته باشد، به جامعه‌ای که در آن رشد می‌کنند و نیز فرآیندهای تفکر پیشینیان بستگی دارد. در واقع او نقش مهمی را برای روشن‌اندیشان در ساخت تفکر و پرورش نسل بعد می‌دانست (دیلینی، ۱۳۹۲). در مجموع، از نظر مانهایم تفکر، محصول اجتماعی و شناخت، امری انتقالی است که می‌تواند از نسلی به نسل دیگر منتقل شود.

مانهایم ویژگی اجتماعی مشترک را عاملی مهم در تعریف نسل می‌داند. بر این اساس معتقد است "جو اجتماعی زمانه که فرد در آن بزرگ می‌شود، مردم یک نسل را به یکدیگر پیوند می‌دهد. افراد هم‌نسل لزوما در ارتباط با یکدیگر قرار ندارند. در واقع ساختار طبقاتی مشابه که این افراد در آن قرار دارند موجب می‌شود از ویژگی‌های اجتماعی مشترک نیز برخوردار باشند"(دیلینی، ۱۳۹۲: ۳۲۸)

وقتی قائل به انتقال تفکر، هنجارها و ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر باشیم، شکاف نسلی می‌تواند یکی از پیش‌فرض‌ها در عدم انتقال ارزش‌های یک نسل به نسل دیگر باشد که منجر به تغییرات اجتماعی در نسل دیگر می‌گردد. در مطالعهٔ تغییرات اجتماعی و فرهنگی با مقایسهٔ نسل‌ها در ایران، تعدادی از پژوهشگران قائل به شکاف نسلی هستند (قادری، ۱۳۸۹؛ کاری و ابراهیم‌نیا، ۱۳۹۵) و عده‌ای نیز تنها بر تفاوت نسلی اشاره دارند. می‌توان این را در نظر داشت که تفاوت‌ها به معنای شکاف بین دو نسل نیست بلکه تفاوت میان نسل‌ها را می‌توان تفاوت در تجربه و نگرش نیز تعبیر کرد. تقی آزادارمکی نیز در مطالعهٔ نسل‌ها در ایران قائل به شکاف نسلی نیست. از نظر او هر

[3]. Mannheim

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

نسلی روحیات و مطالبات خاص خود را دارد که برخاسته از شرایط تاریخی یعنی زیست‌بوم آن نسل می‌باشد.

از آنجائی‌که هدف عمدهٔ این تحقیق بررسی تطور معنایی و مفهومی جامعه‌شناسی در ایران بین نسل‌های متفاوت است، از رویکرد "تغییرات متوازن نسلی" استفاده می‌شود. این رویکرد، متفاوت از "رویکرد تزاحمی" است که تحولات را به شکاف و تزاحم نسلی تعبیر می‌کند. در ادامه نیز به‌طور اجمالی به بیان رویکرد تغییرات متوازن اشاره می‌شود.

رویکرد تغییرات متوازن نسلی

این رویکرد به تغییر متوازن فرهنگ و نسل توجه نموده است و بر این باور دارد که تغییرات توأمان موجب شده است تا توازن معناداری بین فرهنگ و نسل، بروز نماید، به گونه‌ای که به رغم ناموزونی اولیه، در مرحلهٔ جدید پس از تغییر و شکل‌گیری نسل جدید همراه با نیازها و علائق تازه و گسترده‌اش همچنان تعلق خود را به ساختار فرهنگی‌ای که ریشه در گذشتهٔ تاریخی او دارد حفظ کند، به گونه‌ای که در فرهنگ جدید، نسل جدید هم‌چنان ایرانی و مسلمان باقی مانده‌اند، اما با تجدید نظر اساسی، در پی استقرار جامعه‌ای جدید با تفسیر جدید از فرهنگ و دین می‌باشد (آزادارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۳۸).

قابل ذکر است این مطالعه، هیچ فرضی مبنی بر تغییرات مفهومی و محتوایی جامعه‌شناسی ایران در میان نسل‌ها ندارد، بلکه به دنبال فهم معنای جامعه‌شناسی از آثار نویسندگانی است که در دوره‌های مختلف زمانی در مورد جامعه‌شناسی نظر داده‌اند. در تحلیل تغییرات مفهومی جامعه‌شناسی نیز، از دسته‌بندی در چهار نسل اول، دوم، سوم و چهارم استفاده می‌شود. رویکرد مناسبات بین‌نسلی آزادارمکی نیز از حضور چهار نسل در جامعه‌شناسی ایران سخن می‌گوید که هر نسلی دارای نیازها و علایق تازه و متفاوتی است اما در عین حال مناسباتی میان نسل‌ها وجود دارد که منجر به توسعه و تکامل فرهنگی و تاریخی نیز می‌گردد.

رویکرد مناسبات نسلی در جامعه‌شناسی ایران

آزادارمکی با طرح رویکرد مناسبات نسلی در مطالعهٔ جامعه‌شناسی ایران، کانون تحولات جامعه-شناسی را در چهار نسل می‌داند. نسل اول و دوم متعلق به قبل از انقلاب هستند. اکثر افراد این دو نسل در شرایط سیاسی و اداری قبل از انقلاب اسلامی زیست داشتند. نسل سوم و چهارم بعد از انقلاب اسلامی و در طول سی‌سال گذشته شکل گرفته‌اند و متأثر از فضای جدید به فعالیت پرداخته-اند. در واقع، نسل سومی‌ها نسل بعد از انقلاب اسلامی بودند که در میدان جامعه‌شناسی فعالیت داشته‌اند و نسل چهارمی‌ها نیز تازه وارد میدان جامعه‌شناسی شده‌اند و فعالیت‌های تازه‌ای را آغاز

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

کرده‌اند. نسل سومی‌ها از اصلی‌ترین کارگزاران جامعه‌شناسی در ایران هستند. نسل سوم و چهارم به طور همزمان در حال زیست هستند، اما نسل چهارم در حال اشتغال به تدریس، تحقیق و پژوهش می‌باشند. یکی از مناقشات این نسل از جامعه‌شناسی توجه به "آزادی"، "دمکراسی" و "عدالت" است. از نظر افراد فعال این نسل، این سؤال مطرح است که چرا جامعه‌شناسان ایران به مسائل جاری و زندگی روزمره توجه نمی‌کنند و از کلاس درس بیرون نرفته‌اند و به مسائل مردم بی‌توجه هستند (آزادارمکی، ۱۳۸۹). ویژگی نسل‌های چهارگانه در جدول شمارهٔ ۱ نشان داده می‌شود.

جدول شمارهٔ یک- ویژگی‌های چهار نسل در جامعه‌شناسی ایران

نسل‌ها	زمان	کارکرد	شرایط	شرایط ملی	شرایط جهانی	مسائل داخلی	مسائل جهانی	نگرش اجتماعی	مناقشه‌ها	روش‌ها
نسل اول	۱۳۲۰_۱۳۳۷ دورهٔ اول پهلوی دوم و نوسازی سیاسی	بنیانگذاری	توسعهٔ سازمان علم در ایران	نوسازی دولتی	توسعهٔ کشورهای جهان سوم	علم و جایگاه آن در ایران و نوسازی اداری	بلوک-بندی دو قطبی-شدن جهان	فلسفهٔ اجتماعی	مشروعیت علم جامعه-شناسی در ایران	آموزش مفاهیم و دفاع از کلیت جامعه-شناسی
نسل دوم	۱۳۳۸_۱۳۵۹ دورهٔ دوم پهلوی اول و شرایط ظهرو انقلاب اسلامی	اشاعه‌ی سازمانی و توسعهٔ حوزهٔ مفهومی علم جامعه‌شناسی	توسعهٔ برنامه‌ریزی و اهمیت مدیریت علمی در کشور	نوسازی دولتی	توسعهٔ کشورهای جهان سوم	نظام برنامه-ریزی در ایران و توسعه‌ی اقتصادی	مدل نوسازی همگون	مهندسی اجتماعی، بررسی-های اجتماعی و مطالعات توسعه	اهمیت پژوهش و برنامه-نویسی	پژوهش و ترجمه
نسل سوم	۱۳۷۰_۱۳۶۰ مرحلهٔ اول و دوم جمهوری اسلامی شرایط انقلاب فرهنگی تا پایان جنگ ایران و عراق	بازنگری، بازسازی و بنیادگرایی علمی و دینی	جدال‌های فکری و روشنفکری	نوسازی دولتی و انقلاب اسلامی	تعیین جایگاه ایران	مشروعیت نظام سیاسی و مناقشات ایدئولوژیک	جنگ سرد و جنگ تمدنها و تروریسم	بنیادگرایی علمی: جامعه-شناسی اسلامی، نقد اجتماعی	مشروعیت علم جامعه-شناسی در ایران، نوع رابطه آن با دین و ایدئولوژی	نقد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

نسل چهارم	۱۳۷۱ به‌بعد مرحلهٔ سوم جمهوری اسلامی، شرایط اصلاحات و جهانی شدن	دفاع از جامعه‌شناسی به عنوان علم مدنیت	مناقشات اجتماعی و سیاسی	نوسازی دولتی و مشارکت اجتماعی و دموکراسی خواهی	تعیین رابطهٔ ایران با جامعهٔ جهانی	ساماندهی حیات اجتماعی	جهانی شدن و بازسازی سرمایه-داری جهانی همراه با بحران-های ساختاری	مدل روشنگری، اندیشهٔ پست مدرن، مطالعات فرهنگی، نقد مدرنیته	بهره‌گیری مدرن از جامعه-شناسی	تبلیغ و نقد

(آزادارمکی، ۱۳۸۹)

روش تحقیق

می‌توان مسائل و مشکلات مورد علاقهٔ جامعه‌شناسان ایران را با مراجعه به آثار و تألیفات آنها بازشناخت، علاوه بر این با مطالعهٔ آثار آنها می‌توان به چگونگی نگرش آنها به توانایی جامعه‌شناسی در بازنمایی جامعه پی برد. در این تحقیق، با نگرشی تاریخی به جستجوی آثار مکتوبی پرداخته شد که در دههٔ ۷۰ و ۸۰ منحصراً، جامعه‌شناسی در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. متغیر "زمان" عنصری مهم در درک ما از تحولات و تغییرات در نگرش به جامعه‌شناسی است تا با بررسی منابع پیشینی در این حوزه، پلی میان گذشته و حال برقرار سازیم. در بررسی نگرشی که به مفهوم جامعه-شناسی در ایران وجود دارد، از رویکرد کیفی و روش تحلیل محتوا (تحلیل مقوله‌ای) استفاده می‌شود.

تحلیل محتوا، روشی است که در وجوه متفاوتش، میدان کاربرد وسیعی دارد که آن را می‌توان در صورت‌های ارتباط کلامی و غیرکلامی بسیار متنوع (مثل نوشتارها) به کار بست (کیوی و کامپنهود، ۲۲۵:۱۳۸۲). در مجموع، روش تحلیل محتوا در به کارگیری روش‌های علمی برای بررسی محتوای مدارک اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (هولستی، ۱۶:۱۳۷۳). در تحلیل محتوا، تحلیل مقوله‌ای، عبارت است از محاسبه و مقایسه بسامدهای برخی از خصوصیات (عموماً مضامین عنوان شده) که از قبل در مقوله‌های معنادار دسته‌بندی شده‌اند. مبنای آن را فرضیه‌ای تشکیل می‌دهد که به موجب آن یک مضمون، هر چه پر بسامدتر (فراوان‌تر) تکرار شود، در نظر گوینده اهمیت بیشتری دارد (کیوی و کامپنهود، :۱۳۸۲).

در پاسخ به سؤالات تحقیق، مقالاتی انتخاب شدند که در دههٔ ۷۰ و ۸۰ به موضوع جامعه‌شناسی در ایران پرداخته بودند. در گسترهٔ داده‌های تحلیل، این تحقیق محدود به آثار مکتوب شامل مقالات، متن سخنرانی و گفتگو در میزگردها و همایش‌هایی است که افراد در مورد جامعه‌شناسی در ایران

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

اظهار نظر کرده‌اند و به بررسی آن پرداخته‌اند.

اما اینکه چرا تنها به مقالات و متن‌های سخنرانی پرداخته می‌شود؛ در واقع این پیش‌فرض وجود دارد که در ایران، نوشتن مقالات به سختی چاپ کتاب نیست و در فرصت بیشتر انتشار نسبت به کتاب، از فراگیری عمومی‌تری نیز برخوردارند. از سوی دیگر مقالات می‌توانند سرچشمه-های نشر کتب را ایجاد کنند. به علاوه افراد در مقالات، نقطه نظرات خود را راحت‌تر بیان می‌کنند، به این دلیل در انتخاب مقالات، سخت‌گیری که باید علمی یا پژوهشی باشند اعمال نشد و تنها هدف عمده بررسی دیدگاه‌ها و تحلیل‌هایی بود که افراد نسبت به جامعه‌شناسی در ایران داشتند و به راحتی بیان کردند، از همین رو محل انتشار آنها نیز مهم نبود.

برای یافتن این مقالات، جستجوهای فراوانی به عمل آمد، بیشترین جستجو در پایگاه اطلاعاتی کتابخانهٔ ملی و سایت‌های مجلات علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی بود. از سوی دیگر در سایت گوگل نیز جستجو صورت گرفت و مقالاتی که در پایگاه اطلاعاتی ثبت نشده بودند اما در روزنامه‌ها و یا سایت‌های مرتبط با جامعه‌شناسی منتشر شده بوند نیز مورد نظر قرار گرفتند و متن سخنرانی در سمینارها و میزگردها، آن دسته از آثاری بودند که از این طریق شناسایی شدند. از سوی دیگر با مراجعه به انجمن جامعه‌شناسی ایران، متن تمام مقالات همایش‌ها نیز جمع‌آوری شدند. در عین حال ماهنامهٔ مهرنامه نیز دو شماره را به بررسی جامعه‌شناسی در ایران اختصاص داده است و نظر بسیاری از اساتید در این حوزه را بیان کرده است که تمام این مقالات نیز مورد تحلیل قرار گرفتند. مقالات و آثار بسیاری جمع‌آوری شدند، اما بعد از مطالعهٔ تمام آنها ،۱۸٦ اثر، انتخاب شدند که به‌طور اختصاصی، به جامعه‌شناسی در ایران پرداخته بودند، از این تعداد، ۱۷۷ اثر متعلق به دههٔ ۸۰ است.

با تمام جستجوهای به عمل آمده، همچنان نمی‌توان گفت مقالاتی که در این تحقیق، شناسایی و تحلیل شدند، کل آثاری هستند که به جامعه شناسی در ایران پرداخته‌اند، به هر حال این احتمال بسیار است که به دلایلی چون ضعف انباشت علمی، تعدادی از آثار از قلم افتاده باشند. در محاسبهٔ تعداد نویسندگان، تنها افرادی که در این سمینارها و میزگردها در مورد جامعه‌شناسی اظهار نظر داشتند، مورد محاسبه قرار گرفتند. تعدادی از مقالات نیز به صورت دونفره نگاشته شده بودند که نام هر دو نویسنده، مورد محاسبه قرار گرفت. با احتساب این نکته، از مجموع ۱۸٦ مقاله،۸۲ نفر (از نسل سوم و چهارم)، جامعه‌شناسی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند و در مورد آن به اظهار نظر پرداخته‌اند.

آثار، بعد از جمع‌آوری و مطالعه، بر اساس سال دسته‌بندی شدند. مشاهده شد که بسیاری از مقالات به موضوعات مشترک پرداخته‌اند، مقوله‌ها بر اساس محتوای مقاله‌ها ساخته شدند. به علاوه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

نام هر کدام از اساتید و تعداد مقالات آنها و مقولاتی که به آنها اشاره داشتند نیز دسته‌بندی شدند. هدف از این کار، ترسیم محتوای مقالات بر اساس مقوله‌بندی‌ها و ترسیم میزان تأکید بر مقولات بر اساس سال بود تا از این طریق تغییرات احتمالی در محتوا و نیز میزان تأکید بر مقولات خاص مشخص شود. از سوی دیگر هدف از ترسیم میزان مقالات و تأکیدات نویسندگان بر مقولات، فهم این نکته بود که آیا تغییر در محتوا به دلیل حضور نسل‌های جدید بوده است و یا افرادی که در گذشته به مقولات خاص تأکید داشتند، به مقولات جدیدتر نیز اشاره دارند.

لازم به ذکر است که در هر مقوله، ریز مقولات دیگر وجود دارند، ریز مقولات نیز در راستای مقولهٔ اصلی ولی با تنوع بیشتر موضوعی است. به دلیل گستردگی محتوای مقالات، مشاهده شد اگر مقالات تنها در یک مقولهٔ کلی قرار بگیرند، بسیاری از نکات محتوایی مهم و ریزی که مقالات به آنها آشاره دارند، از نظر به دور خواهد ماند. به همین دلیل، هر مقولهٔ کلی دارای ریز مقوله می‌باشد تا دقت ما را در تحلیل افزایش دهند. به علاوه در ارزش‌گذاری، اهمیت مقولات به نسبت میزان تأکیدات بر آنها بر اساس سال است.

تمام سعی ما بر آن بوده است که مقولات عین محتوای مقالات و اظهار نظر نویسندگان در مورد جامعه‌شناسی در ایران نام‌گذاری شوند. به عنوان مثال در مقولهٔ "بومی‌سازی"ریز مقوله " توجه به تاریخ ایران (نیاز اولیه در راستای بومی کردن جامعه‌شناسی) " به‌طور عینی بر اساس محتوای بسیاری از مقالات شکل گرفت.

یافته‌های تحقیق

مقولات به ترتیب اهمیت و بیشترین تأکیدات شامل اعتقاد به اجتماع علمی، راه‌کارهای توسعهٔ جامعه‌شناسی در ایران، سیاست (سلطهٔ سیاسی و ایدئولوژیک و تأثیر جریانات سیاسی بر جامعه-شناسی)، جامعه‌شناسی بومی، تصورات از جامعه‌شناسی، مسائل آموزشی، مسائل پژوهشی، توسعه و تاریخ جامعه‌شناسی در ایران، استقلال جامعه‌شناسی، نقد جامعه‌شناسی آکادمیک، بحران در جامعه‌شناسی، تعاریف از جامعه‌شناسی، تأثیر رویکرد نسلی بر جامعه‌شناسی است.

رویکرد مقالات در مورد جامعه‌شناسی ایران از موضع آسیب‌شناسی است و یکی از مقولات مورد اهمیت، مقولهٔ "اعتقاد به اجتماع علمی" می‌باشد. افراد، مهم‌ترین چالش‌های عمده در جامعه-شناسی ایران را در فقدان اجتماع علمی می‌دانند. بیشترین تأکید بر این مقوله و ریز مقوله‌های آن در دههٔ ۸۰ به خصوص از سال‌های ۱۳۸۵ به بعد است. "قانعی‌راد" و "آزادارمکی" نویسندگانی هستند که بیشترین تأکید را بر این مقوله داشتند، از سوی دیگر این مقوله و ریزمقولات آن مورد توجه و تأکید نسل جدید قرار گرفته است. این نسل با آنکه مقالات محدودی را در تحلیل جامعه‌شناسی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

ارائه کرده‌اند، اما به ایجاد اجتماع علمی تأکید بسیاری دارند.

در مجموع، بیش از ۸۰ درصد تأکید بر مقولات متعلق به دهۀ ۸۰ و ۱۰ درصد از تأکیدات متعلق به دهۀ ۷۰ است. این امر بیانگر اهمیت یافتن موضوع جامعه‌شناسی در دهۀ ۸۰ می‌باشد. در حالی که در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷ بر مقولات استقلال جامعه‌شناسی، اعتقاد به اجتماع علمی و ارائۀ راهکارهای توسعۀ جامعه‌شناسی (در ارائۀ مدل تحقیقی) تأکید شده است، اما در دهۀ ۸۰، جامعه‌شناسی، به عنوان مسأله‌ای قابل شناسا همواره مورد تأکید بیشتری بوده است که می‌توان برپایی همایش‌ها[۴] در این دهه را یکی از عوامل تأثیرگذار در توجه به جامعه‌شناسی و انباشت نظرات در این حوزه دانست.

با توجه به برپایی این همایش‌ها نکتۀ مهم این است که واکاوی جامعه‌شناسی در ایران بدون در نظر گرفتن تغییرات در سال‌های پایانی دهۀ ۸۰ ممکن نیست. به خصوص نقشی که انجمن جامعه‌شناسی ایران در برپایی همایش‌های تخصصی داشته است و مقالاتی که در این کنفرانس‌ها ارائه شدند، نقطۀ عطفی در مورد اهمیت قرار گرفتن جامعه‌شناسی و انباشت مقالاتی است که به‌طور اختصاصی به جامعه‌شناسی و مسائل علوم اجتماعی می‌پردازند. در ادامه به توضیح هر مقوله و نتایج به دست آمده اشاره می‌شود.

۱ـ اعتقاد به اجتماع علمی

در بین مقولات، بیشترین تأکید بر ایجاد اجتماع علمی و بیان فقدان عناصر آن می باشد، در واقع بیشترین مقوله‌ای که مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته است، اجتماع علمی است که بیانگر ارزش این مقوله برای افراد است. در مجموع ۲۰۷ تأکید بر این مقوله و ریز مقولات آن وجود دارد که بر عدم نظریه‌پردازی، ٦١ تأکید، فقدان روش‌شناسی منسجم، ۷۳ تأکید و بر مقولۀ ضعف تعاملات، ۲۹ تأکید

---

[۴] .همایش ۱۳۸۵: همایش بررسی مسائل علوم اجتماعی در ایران، دانشکدۀ علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳ و ١٤ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵.

همایش ۱۳۸۷: کنکاش‌های مفهومی و نظری دربارۀ جامعۀ ایران، ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷.

همایش ۱۳۸۹: کنفرانس ملی "علوم اجتماعی در ایران، دستاوردها و چالش‌ها" (بررسی چالش‌های کنونی علوم اجتماعی در ایران)، اردیبهشت ۱۳۸۹.

ـ کنفرانس ملی "پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعۀ ایران"، دی ۱۳۸۹.

همایش ۱۳۹۰: همایش ملی "تفکر اجتماعی و جامعه‌شناسی در خاور میانۀ معاصر"، ۷و۸ خرداد۱۳۸۹.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

صورت گرفته است. یکی از نکات مهم این است که فقدان روش‌شناسی منسجم یکی از مهم‌ترین مسائل در فقدان اجتماع علمی دیده شده است.

"پراکندگی نظری" ریزمقوله‌ای است که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۳به آن تأکید شده است، اما تأکید به ریزمقولهٔ "فقدان توجه به مسائل و فهم جامعه ایران"، در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ بیشتر دیده می‌شود. این می‌تواند بیانگر این مسأله باشد که در جامعه‌شناسی ایران، آسیب‌شناسی‌ها رو به جهتی است که به عینیات و واقعیات جامعه در رسیدن به نظریه‌پردازی بیشتر توجه می‌کند.

ریزمقولات دیگر نیز بیانگر وسعت دید افراد در رسیدن به نظریه‌پردازی است. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۹ به "فقدان نظریه‌پردازی در عدم باور جامعه‌شناسان به تفکر خویش" و یا "عدم نظریه‌پردازی در فقدان خلاقیت و بیان دیدگاه‌های جدید (فقر اندیشه و چالش‌های نظری)" و نیز "فقدان نظریه‌پردازی در گریز از تبیین‌های علی" اشاره شده است. در ریزمقولهٔ"روش‌شناسی منسجم" تأکید بر مقولهٔ"تسلط روش‌های کمی بر تحقیقات کیفی"وجود دارد، در حالی که در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ به" تلفیق دو سطح کمی و کیفی" تأکید می‌شود.

به علاوه در ریزمقولهٔ "روش‌شناسی منسجم" بیشترین تأکید بر عدم وجود سنت پژوهشی است، به نوعی اکثریت قریب به اتفاق از سال۱۳۸۳ به بعد، به فقدان سنت پژوهشی اشاره کردند و در توجه به آن وحدت نظر دارند. انتقاد به "عدم وجود فضای گفتگو، نقد و مناقشات نظری" از ریزمقولاتی است که از سال‌های دههٔ ۷۰ هم‌چنان به آن تأکید شده است و امروزه نیز یکی از مسائل عمده در میدان علمی است.

۲ـ راه‌کارهای توسعهٔ جامعه‌شناسی در ایران

بعد از اجتماع علمی، مقولهٔ راه‌کارهای توسعهٔ جامعه‌شناسی با ۱۰۱ تأکید، از بیشترین اهمیت برخوردار است. سال‌های دههٔ ۸۰ به خصوص سال‌های ۱۳۸٦، ۱۳۸۵ و۱۳۹۰ سال‌هایی است که بیشترین تأکید بر این مقوله را شاهدیم. در این مقوله نیز بیشترین تأکیدات به ترتیب بر "راه‌کارهای ایجاد اجتماع علمی"، "روش‌شناسی منسجم"، "طرح بازبینی جامعه‌شناسی در ایران"، "بازخوانی مفاهیم در جامعه‌شناسی" و "بازبینی فهم از مفاهیم" است.

ارائهٔ راهکارهای توسعهٔ جامعه‌شناسی از سال ۱۳۷۲مورد تأکید قرار گرفته است، در این سال‌ها، راه‌کارها در قالب "پیوند با سایر نهادها (دولتی)"، "پیوند دانشگاه و جامعه"، "افزایش تعاملات علمی"،" ارائهٔ مدل تحقیقی برای تحقیق مسائل ایران" بیان شده است، در حالی که در دههٔ ۸۰ راه‌کارهای دیگر چون "ایجاد فضای نقد و گفتگو "، "به رسمیت شناختن نظرات و رویکردهای مختلف یکدیگر"، "استقلال از حوزهٔ سیاست"، "بازبینی آموزش و فهم از مفاهیم"، "بازبینی در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

هویت رشته‌ای"، هم‌چنین در جهت افزایش تعاملات بر "افزایش چاپ کتب و مجلات تخصصی" و "برپایی بیشتر همایش" تأکید شده است.

۳ـ سیاست

در مجموع ۷۵ تأکید بر مقولهٔ "سیاست" شده است. این مقوله از دو ریزمقولهٔ "سلطهٔ سیاسی و ایدئولوژیک بر جامعه‌شناسی" و "تأثیر جریانات سیاسی بر جامعه‌شناسی" تشکیل شده است که بیشترین تأکید بر ریزمقولهٔ سلطهٔ سیاسی و ایدئولوژیک بر جامعه‌شناسی است. بیشترین سطح پراکندگی در تأکید بر ریزمقولات متعلق به دههٔ ۸۰ به خصوص سال‌های ۱۳۸۵،۱۳۸۶و ۱۳۸۹ می‌باشد که در سال ۱۳۸۹ تأکید بر استقلال از حوزهٔ روشنفکری و دیگر رشته‌ها مطرح می‌شود.

٤ـ جامعه‌شناسی بومی

این مقوله در راستای تأکیدات مقالات بر بومی‌سازی جامعه‌شناسی بوده است. در مجموع ٥٦ تأکید بر این مقوله شده است. توجه افراد بسیاری بر ریزمقولهٔ "توجه به تاریخ ایران (نیاز اولیهٔ بومی‌سازی)" است که این تأکید در سال‌های ۱۳۸۹ ، ۱۳۸٦ به خصوص در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته است.

تأکید بر تاریخ را می‌توان از موضوعات مهم و جدید در حوزهٔ جامعه شناسی بومی دانست، درگذشته، در ضرورت بحث بومی‌سازی، اهمیت تاریخ آنچنان که در حال حاضر به آن تأکید می‌شود، مورد توجه نبود. در مقابل، مخالفان جامعه‌شناسی بومی، بومی‌سازی را یک عمل سیاسی می‌دانند، از این جهت، ریزمقولهٔ "طرح جامعه‌شناسی بومی در نیاز سیاست" از دههٔ ۷۰ به بعد، از بیشترین تأکید برخوردار بوده است. اما یکی از وجوه مشترک معتقدان به بومی‌سازی، در "تقلیدی بودن نظرات جامعه‌شناسی و عدم پیوند آن با جامعهٔ ایران" است. محتوای بیشتر مقالات، نیاز به بومی‌سازی را در تقلیدی بودن نظرات و عدم مطابقت آن با جامعهٔ ایران می‌دانند.

۵ـ تصورات از جامعه‌شناسی

یکی از تصورات غالب بر جامعه‌شناسی در ایران، نگرش ابزاری به جامعه‌شناسی است. از این‌رو بیشترین تأکید در تصورات از جامعه‌شناسی بر ریزمقولهٔ "جامعه‌شناسی در خدمت توسعه، سیاست‌گذاری، نوگرایی و تغییر اجتماعی" و نیز مقولهٔ "جامعه‌شناسی ابزار شناخت و حل مسائل اجتماعی" است. این تأکیدات از دههٔ ۷۰ تا به امروز از پراکندگی برخوردار است؛ گویی از سال‌های ۷۰ تا به امروز، جامعه‌شناسی ابزاری در خدمت توسعه و تغییر اجتماعی دیده می‌شود.

٦ـ آموزش

مقولهٔ "آموزش" نیز با توجه به رویکرد آسیب‌شناسی که در مقالات در رابطه با آموزش جامعه‌شناسی وجود دارد، ایجاد شده است. در مجموع ٤٤ تأکید در مقولهٔ آموزش وجود دارد که

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

۲۲ تاکید بر ریزمقولهٔ "ضعف در آموزش معانی و محتوای جامعه‌شناسی و تربیت نیروی متخصص" است. تأکید بر ریزمقولهٔ "بدفهمی از جامعه‌شناسی" در دههٔ ۸۰ مطرح شد که در سال ۱۳۸۹ بیشترین تأکید را یافت، تأکید بر "فقدان ارائهٔ هویت رشته‌ای" نیز در سال‌های ۱۳۸۵و ۱۳۸٦ بوده است. در مقولهٔ آموزش، بیشترین تأکیدات متعلق به دههٔ ۸۰ به خصوص سال‌های ۱۳۸٦ ،۱۳۸۵و ۱۳۸۹می-باشد. "کمبود امکانات و کادر آموزشی(اساتید) یکی از مقولاتی است که از دههٔ ۷۰ تا به امروز هم‌چنان به آن تأکید می‌شود؛ در واقع یکی از مسائلی که از دههٔ ۷۰ حوزهٔ آموزش جامعه‌شناسی نیز با آن دست به گریبان است.

۷ـ پژوهش

٤۲ تأکید در این مقوله وجود دارد که ۱۷ تأکید و بیشترین تأکید در ریزمقولهٔ "مسائل سیاسی و امنیتی" در رابطه با انجام پژوهش است. علاوه بر آن بر"سلطهٔ سیاست و ایدئولوژی بر تحقیقات (سفارشی شدن تحقیقات)" و "عدم امنیت پژوهش و آزادی بیان در بیان نتایج تحقیقات" بیشترین تأکید وجود دارد.

از سال‌های اولیهٔ دههٔ ۷۰ بر عدم امنیت پژوهش و آزادی بیان و نتایج تحقیقات تأکید شده است؛ در حالی که در سال‌های ۱۳۸٦، ۱۳۸۵و ۱۳۸۹ بر سفارسی شدن تحقیقات، تأکید شده است."عدم امنیت و آزادی بیان" ریزمقوله‌ای است که از دههٔ ۷۰ هم‌چنان بر آن به عنوان یکی از مسائل عمده در جامعه‌شناسی تأکید شده است و در مقولهٔ فرهنگی هم تأکید بر "بی توجهی بر نتایج تحقیقات" دیده می‌شود.

۸ـ بیان توسعه و تاریخ جامعه‌شناسی در ایران

۳۱ تأکید بر این مقوله وجود دارد؛ در این مقوله به "توسعهٔ کمی و کیفی جامعه‌شناسی در ایران" اشاره شده است. به علاوه به این امر تأکید می‌شود که جامعه‌شناسی در ایران یک رشتهٔ جدید است، بنابراین به دلیل نو بودن این رشته، نباید از آن توقع زیادی در جهت توسعه و نظریه-پردازی داشته باشیم.

جالب آنکه نویسندگان به نوعی قائل به سلطهٔ روش کمی در جامعه‌شناسی هستند. هم‌چنین رشد روش‌های کیفی در سال‌های اخیر، به علاوه این نگرش وجود دارد که می‌توان "اعتقاد به بررسی کیفی جامعه‌شناسی بر اساس رشد کمی" داشته باشیم که از مقولات جدیدی است که در سال ۱۳۸۹مورد تأکید بوده است.

تأکید بر رشد جامعه‌شناسی در ایران بر مبنای رشد کمی و سازمانی، از سال‌های ابتدائی دههٔ ۷۰ دیده می‌شود و تأکید بر رشد کیفی جامعه‌شناسی از سال ۱۳۸۵ به بعد مطرح گردیده است. در واقع از این سال است که شاخص‌هایی در مورد رشد کیفی جامعه‌شناسی مطرح می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

۹ـ استقلال

۲۸ تأکید بر این مقوله وجود دارد. بیشترین تأکید بر "استقلال از حوزهٔ سیاست" و نیز تأکید بر "نقش انجمن جامعه‌شناسی در رسیدن به این استقلال" است. در واقع تأکید بر نقش انجمن جامعه‌شناسی در استقلال جامعه‌شناسی از مقولاتی است که توجه به آن، تنها در یک سال خاص نبوده است و همواره از سال‌های ۱۳۷٦ به بعد، بر این ریزمقوله تأکید شده است و از سطح پراکندگی در تأکید برخوردار است. در مقولهٔ استقلال جامعه‌شناسی نیز بیشتر تأکیدات، متعلق به دههٔ ۸۰ به خصوص سال‌های ۱۳۸۵،۱۳۸٦و ۱۳۸۹ می‌باشد.

۱۰ـ نقد جامعه‌شناسی آکادمیک

در بسیاری از مقالات، وقتی صحبت از جامعه‌شناسی در ایران می‌شود به وضوح بیان نمی‌شود که منظور از جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی آکادمیک و رسمی است یا غیررسمی، در واقع می‌توان گفت بیشتر تصورات، همان جامعه‌شناسی آکادمیک و رسمی است.

۲۵ تأکید بر این مقوله وجود دارد. بیشتر بر ریزمقولهٔ"حرفه‌ای و معیشتی شدن جامعه‌شناسی آکادمیک" تأکید شده است. در واقع یکی از نقدهای مهم به جامعه‌شناسی آکادمیک این است که منجر به حرفه‌ای و شغلی شدن جامعه‌شناسی در ایران شده است و اساتید به جای داشتن دغدغهٔ تولید نظری و گفتمان، به جامعه‌شناسی به مثابه شغلی که باید آن را حفظ کنند، نگاه می‌کنند. این ریزمقوله در سال‌های ۱۳۸۵ به بعد به خصوص در سال‌های ۱۳۸٦ و ۱۳۸۹مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

۱۱ـ بحران در جامعه‌شناسی و دفاع از آن در برابر طرح مرگ جامعه‌شناسی

۱۱تأکید بر ریزمقولهٔ "بحران در جامعه‌شناسی "و ۱٤ تأکید بر ریزمقولهٔ "دفاع از جامعه‌شناسی در برابر طرح مرگ آن" وجود دارد. تأکید بر بحران در جامعه‌شناسی از پراکندگی در سال‌های مختلف برخوردار است، در حالی که در تأکید بر دفاع از جامعه‌شناسی در برابر طرح مرگ آن تأکیدات مختص به سال ۱۳۸۹ هستند.

نکتهٔ حائز اهمیت در این است که نویسندگان بیش از آنکه قائل به بحران در جامعه‌شناسی ایران باشند، با رویکردی آسیب‌شناسانه به کاستی‌ها و مسائل آن می‌پردازند و عدم‌توانایی جامعه-شناسی در حل مسائل اجتماعی و توسعهٔ ایران را عامل بحران آن می‌دانند.

مقولهٔ "تعاریف از جامعه‌شناسی" از ۲۰ تأکید برخوردار است، اما در تعریف از جامعه‌شناسی ریزمقوله‌ای که از تأکید بیشتر برخوردار باشد، وجود ندارد. در واقع به مقولهٔ تعاریف از جامعه‌شناسی کمتر پرداخته شده است و تنها تأکید بر این است که "جامعه‌شناسی علمی انتقادی و مدرن" است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

از سال ۱۳۸۵ به بعد نیز به این ریزمقوله اشاره شده است که جامعه‌شناسی"توصیف از هست‌ها و امر اجتماعی" است اما از تأکید بالایی برخوردار نیست.

در مقولهٔ "تأثیر رویکرد نسلی بر جامعه‌شناسی" از نسل‌های جدیدی صحبت می‌شود که بر توسعهٔ جامعه‌شناسی تأثیر به سزایی خواهند داشت. این مقوله از توجه و تأکید کمتری برخوردار بوده است و در دههٔ ۸۰ مورد تأکید قرار گرفته است. در مقولهٔ "مسائل ترجمه" بیشترین تأکید بر"ضعف معادل‌سازی و ترجمهٔ آثار کلاسیک و مهم" است که از دههٔ ۷۰ تا به کنون بر آن تآکید می‌شود.

جدول شمارهٔ دو-مقولات به همراه ریزمقولات که از بیشترین تأکید در هر مقوله بر اساس سال برخوردارند

مقولات	مهم‌ترین ریز مقولات	سال تأکید بر مقولات
اعتقاد به اجتماع علمی	مشروعیت تولید علم خارج از آکادمی	۹۰-۸۹
	پراکندگی نظری و عدم اجماع نظری در نبود جهت‌گیری و	۸۹-۸۳
	محوریت فکری	۸۹-۷۶
	عدم وجود روش‌شناسی منسجم	۸۹-۷۸
	عدم نظریه‌پردازی (در فقدان نگرش تاریخی، عدم توجه به	
	مسائل و فهم جامعه، فقدان جامعه‌شناسی تجربی و عینی، عدم پرداختن	۸۹-۷۹
	به مطالعات بنیادین...)	۸۹و۸۷
	غلبهٔروش‌های کمی بر تحقیقات	۸۹-۷۶
	تأکید بر تلفیق روش‌های کمی و کیفی در تحقیقات	۸۹-۸۳
	عدم انباشت علمی	۸۹_۷۷
	ضعف تعاملات	
	انتقاد به عدم وجود فضای گفتگو، نقد و مناقشات نظری	
سیاست	سلطه بر تحقیقات و عدم بیان نتایج و طرح مسائل	دهه۸۰
	عدم توسعهٔ مباحث نظری و انتقادی در سلطهٔ سیاسی و	۸۹-۸۵
	ایدئولوژیک	۸۹و۹۰
	سلطه بر محتوا و بدفهمی از جامعه‌شناسی	
	تاثیر انقلاب فرهنگی بر جامعه‌شناسی در ایران	دهه۷۰ و ۸۰
جامعه‌شناسی بومی	تقلیدی بودن نظرات جامعه‌شناسی و عدم پیوند آن با جامعهٔ ایران	۸۹-۷۲
	طرح جامعه‌شناسی بومی در نیاز سیاست	۸۹-۷۶
تصورات از جامعه-شناسی	جامعه‌شناسی در خدمت توسعه و سیاست‌گذاری، نوگرایی و	۸۹-۷۱
	تغییر اجتماعی	۸۹-۷۲
	جامعه‌شناسی ابزار شناخت و حل مسائل اجتماعی	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

آموزش	بدفهمی از جامعه‌شناسی در ضعف آموزش معانی و محتوای جامعه‌شناسی ضعف در پرورش دیدگاه تحلیلی کمبود امکانات و کادر آموزشی فقدان ارائهٔ هویت رشته‌ای و خودآگاهی رشته‌ای	۸۳-۸۹ ۸۵-۸۹ ۸۹_۷۰ ۸۵-۸۷
پژوهش	سلطهٔ سیاست و ایدئولوژی بر تحقیقات (سفارشی شدن تحقیقات) عدم امنیت پژوهش و عدم وجود آزادی در بیان نتایج تحقیقات ناکافی بودن بودجهٔ پژوهشی	۸۳-۸۹ ۸۶_۷۰ ۸۹_۷۰
بیان توسعه و تاریخ جامعه-شناسی در ایران	بیان رشد جامعه‌شناسی در ایران بر مبنای رشد کمی و سازمانی بیان رشد کیفی جامعه‌شناسی نو بودن جامعه‌شناسی در ایران دلیلی بر عدم توسعهٔ آن	۸۹_۷۰ ۸۵-۸۹ ۸۱-۸۹
استقلال	استقلال از حوزهٔ سیاست تأکید بر نقش انجمن جامعه‌شناسی در استقلال جامعه‌شناسی	۱۳۸۰و ۸۵-۸۹ ۱۳۷۶و ۸۱-۸۹
بحران در جامعه‌شناسی	توجه به امر اجتماعی در دفاع از جامعه‌شناسی بحران نظری در جامعه‌شناسی	۸۹ ۷۶-۸۷
نقد جامعه‌شناسی اکادمی	حرفه‌ای و معیشتی شدن جامعه‌شناسی آکادمی ضعف سرمایه‌های فرهنگی، علمی و اقتصای در دانشگاه	۷۷-۸۹ ۸۹و۸۶
تعاریف از جامعه-شناسی	جامعه‌شناسی، علمی انتقادی جامعه‌شناسی، علم مدرن	۸۵-۸۹ ۸۶-۸۹
مسائل ترجمه	ضعف معادل‌سازی و ترجمهٔ آثار کلاسیک و مهم	۸۷-۸۹
تأثیر رویکرد نسلی بر جامعه‌شناسی	توسعهٔ جامعه‌شناسی بر اساس چالش‌های نسلی	۸۰و ۹۰- ۸۸

بحث و نتیجه‌گیری

ـ سلطهٔ گفتمان توسعه با جهت‌گیری آسیب‌شناسانه بر جامعه‌شناسی ایران

در دههٔ ۷۰ و سال‌های اولیه دههٔ ۸۰ تأکید بر جنبه‌های آسیب‌شناسانهٔ جامعه‌شناسی بسیار است و حتی در دههٔ ۷۰ نیز به جامعه‌شناسی به مثابهٔ ابزاری در خدمت توسعهٔ ملی نگریسته می‌شود. اما در اواخر سال‌های ۸۰ تغییرات بنیادین در شکل تحلیل‌ها از جامعه‌شناسی دیده می‌شود و بر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

مقولات متفاوت دیگری تأکید می‌شود و بر ما نهیب می‌زند که در تأمل نسبت به موقعیت جامعه-شناسی در ایران، درنگ کرده و لحظه‌ای پیش‌فرض‌های خود را کنار بگذاریم و از هست‌های پیش‌رو، ورودی بر واقعیت‌های درون آن داشته باشیم.

ورود جامعه‌شناسی به ایران همراه با برنامه‌های توسعهٔ ملی بوده است، در تصوراتی که از جامعه‌شناسی در ایران وجود دارد؛ همواره به عنوان ابزاری "در خدمت توسعه و سیاست‌گذاری، نوگرایی و تغییر اجتماعی"دیده می‌شود. رویکردی که قابل شناسایی می‌باشد "آسیب‌شناسی جامعه-شناسی در ایران با هدف توسعهٔ ملی" است. در این رویکرد، جامعه‌شناسی به مثابهٔ ابزاری در خدمت توسعهٔ ملی دیده می‌شود و مفهوم توسعه به خارج از جامعه‌شناسی و ساختار دولت و جامعه باز می‌گردد.

در سلطهٔ گفتمان آسیب‌شناسانه، افراد به جای اینکه به تعاریف از جامعه‌شناسی و نیز به بیان رویکرد روش‌شناسی خود در جامعه‌شناسی بپردازند، از بیرون تنها به بیان ضعف‌ها و آسیب‌های جامعه‌شناسی پرداخته‌اند. در واقع در این رویکرد، جامعه‌شناسی به مثابهٔ علمی وابسته به موقعیت دیده می‌شود و تحلیل‌های آسیب‌شناسانه از جامعه‌شناسی نیز با تکیه بر این نگرش است که جامعه-شناسی ایران متأثر از عملکرد سیاست و تغییرات اجتماعی به خصوص دست اندازی‌های سیاست است. از این نظر است که طرح استقلال جامعه‌شناسی مطرح می‌شود که این رشته بتواند فارغ از تغییرات سیاسی و اجتماعی توسط جامعه‌شناسان به تغییرات و توسعه دست یابد.

یکی از موضوعات مورد اهمیتی که در مقولات می‌توان دید، عدم ارائهٔ تعریف از جامعه-شناسی و روش شناخت در آن است. در واقع مقالات، گرایش بیشتری به آسیب‌شناسی در شناخت چگونگی و موجودیت جامعه‌شناسی در رابطه با بهبود ساختار جامعهٔ ایران دارند، به همین دلیل کمتر به روش مطالعه و تعاریف از جامعه‌شناسی توجه شده است. در مقولهٔ تعریف از جامعه‌شناسی، تعداد بسیار محدودی از مقالات به تعریف از جامعه‌شناسی، آن هم به شکل غیر مستقیم پرداخته‌اند. تعاریف آنها تنها در بیان اینکه جامعه‌شناسی "علمی انتقادی و مدرن"است و به "شناخت پدیده‌های عینی" و توصیف دقیق هست‌ها و امر اجتماعی "می‌پردازد؛ خلاصه می‌شود. به علاوه برای جامعه‌شناسی "رسالتی اخلاقی و اجتماعی"نیز قائل می‌شوند.

در واقع یکی از چالش‌هایی که جامعه‌شناسی در ایران با آن مواجه است، عدم تأثیرپذیری از سنت‌های فلسفی و نظری مشخص و تعیین روش‌های متناسب با آن سنت‌ها است، اینکه چطور جامعه‌شناسی در ایران به شناخت و بازنمایی جامعه می‌پردازد، اینکه جامعه‌شناسی اثباتی، تفهمی، انتقادی، مردم‌مدار در ایران را چه کسانی به‌کار گرفته‌اند و در مورد جامعه چه نوع تحلیلی دارند، به طور شفاف مشخص نشده است. دانشگاه‌ها به عنوان موقعیت مکانیِ با ثبات به سمت مکتبی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

شدن حرکت نکرده‌اند، روش‌شناسی و هستی‌شناسی خود را تعریف نکرده‌اند و با قرار گرفتن در آن موقعیت مکانی، هویت جمعی مشترکی نیافته‌اند که با یکدیگر در راستای فضای توجه مشترکی به مطالعه، نقد، گفتگو و آموزش بپردازند. از این‌رو تعاریف مختلف بدون موضع‌گیری‌های مشخص در ایران به وجود می‌آید.

این تصور که جامعه‌شناسی را به عنوان علمی مدرن و انتقادی مورد تأکید قرار می‌دهند و وظیفهٔ آن را تعریف از هست‌ها و امر اجتماعی می‌دانند، در سال ۱۳۸۹ مورد اهمیت قرار گرفته است. در واقع در تغییر تصور و تعریف از جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی از دانشی ابزاری که در جهت توسعهٔ ملی است، به عنوان دانشی انتقادی که قادر به شناخت جامعه و امر اجتماعی است، مورد توجه قرار گرفته است.

رویکرد موجود به جامعه‌شناسی این است که جامعه‌شناسی را در خدمت توسعهٔ ملی و حل مسائل اجتماعی می‌بینند. همین رویکرد خود با نگاهی آسیب‌شناسانه به نقد از جامعه‌شناسی می‌پردازد که در طرح توسعهٔ ملی ناکارآمد بوده است. اما جالب آنکه همین رویکرد نقد به جامعه‌شناسی می‌کند و آن را کاملا وابسته به موقعیت دانسته است و سیاست را عاملی مهم در عدم توسعهٔ جامعه‌شناسی می‌داند. بیشتر نویسندگانی که به نقد از سلطهٔ سیاسی بر جامعه‌شناسی پرداخته‌اند نگاه ابزاری به جامعه‌شناسی نیز دارند و در تصورات از جامعه‌شناسی آن را در "خدمت توسعه و سیاست‌گذاری، نوگرایی و تغییر اجتماعی" می‌بینند.

اما چرا نگاه ابزاری به جامعه‌شناسی مبنی بر اینکه باید در خدمت توسعهٔ ملی باشد در کنار این نقد مطرح می‌شود که چرا سیاست عاملی مهم در عدم توسعه جامعه‌شناسی است؟ چگونه از این هم نشینی طرح مسأله ایجاد می‌شود؟

با توجه به ساختار سیاسی جامعهٔ ایران و طرح‌های توسعه‌ای که توسط دولت از بالا صورت می‌گیرد، هنگامی که جامعه‌شناسی، ابزاری در جهت توسعهٔ ملی تفسیر می‌شود، متعهد به الزامات سیاسی می‌شود. هنگامی که دانش به رویکرد سیاسی متعهد باشد تعهد ذاتی دانش به خود دانش و شناخت، رنگ می بازد و این دانش بیشتر از هر چیز خود را ملزم به پیشبرد اهداف سیاسی می‌بیند، این گونه می‌شود که نفس دانش، دانش برای دانش و شناخت برای شناخت، ارزش خود را از دست می‌دهد و علم به عنوان سرمایهٔ فرهنگی، تنها در دست عده‌ای خاص به ابزاری جهت حفظ و تأمین وضعیت موجود و عدم چرخش نخبگان می‌انجامد.

در حالی که می‌توان گفت یکی از اهداف اولیهٔ دانشگاه، حفظ ارزش‌های ذاتی علم است نه آنکه آن را در خدمت سیاست قرار دهد. در این رابطه "مری ایوانز[5]" هوشمندانه دانشگاه‌های

[5]. Mary Evans

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

بریتانیا را در وابستگی به نهاد اقتصاد و بازار سرمایه‌داری به نقد کشیده و معتقد است"دانشگاه‌ها دیگر بخشی از فرهنگ به مفهوم لیبرالی آن در تعهد به بعضی از اشکال و انواع دانش نیستند، بلکه به فرهنگ سیاسی معتقدند که آشکارا به پیشبرد اهداف دولت غربی مربوط می‌شود" (ایوانز، ۱۳۸۷ :۲۳).

در این رویکرد، این سیاست است که به صورت یک جانبه بر جامعه‌شناسی تأثیر می‌گذارد. افراد در این رویکرد، با نگاه کلان و ساختاری، عنصر سیاست را در چگونگی وضعیت جامعه‌شناسی دخیل می‌دانند و بر مقولاتی چون "سلطهٔ سیاسی و ایدئولوژیک بر جامعه‌شناسی" (در نگاه و داوری سیاسی به جامعه‌شناسی، تبدیل آن به ابزار نظم موجود، عدم توسعهٔ مباحث نظری و انتقادی، سلطّهٔ سیاسی در اعلام مرگ و نابودی جامعه‌شناسی، عدم پرداختن به مباحث بنیادین، سلطهٔ سیاسی بر تحقیقات و عدم بیان نتایج و طرح مسائل، سلطه بر محتوا و بدفهمی جامعه‌شناسی، سلطه بر ذهنیت و عملکرد جامعه‌شناسان، اقدام و مواجههٔ سیاسی با جامعه‌شناسی، سلطهٔ سیاسی در رسانه‌ای شدن و بدفهمی از جامعه‌شناسی) و تأثیر جریانات سیاسی چون انقلاب اسلامی و اصلاحات تأکید دارند.

ـ ردپای نسل سومی‌ها، حضور نسل چهارمی‌ها

بسیاری از نویسندگان در یک مقاله، بر چند مقوله تأکید دارند. تعداد دیگری از نویسندگان از جمله نسل سومی‌ها تعداد بیشتری مقاله دارند و به طور مداوم بر مقولات خاصی تأکید دارند. افرادی که تأکید بیشتری بر مقولات دارند، از چهره‌های شناخته شده و ثابت در میدان جامعه‌شناسی ایران هستند که بر مقولات خاص نیز اشاره داشتند. محمدامین قانعی‌راد و تقی آزادارمکی به عنوان نسل سوم، از جمله افرادی هستند که علاوه بر اینکه میزان تأکیدات آنها بیشتر می‌باشد، تعداد مقالات و نظرات آنها نیز بیشتر از اعضای دیگر است. این دو از جمله افرادی هستند که به طور مداوم جامعه‌شناسی در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۸۲ درصد تأکید بر مقولات متعلق به نسل سوم جامعه‌شناسی در ایران است. نسلی که در ساختار آکادمیک جامعه‌شناسی حضور دارد. نسلی که در پی استفاده علم جامعه‌شناسی در دفاع از شرایط انقلابی است، در حالی که به نقد ساختار آکادمیک نیز می‌پردازد، به تسلط سیاست بر جامعه‌شناسی آگاه و به استقلال جامعه‌شناسی از این نهاد امیدوار است. این نسل جزئی از آکادمی است اما به نقد از آکادمی، شغلی شدن و بروکراتیزه شدن جامعه‌شناسی نیز می‌پردازد و طرح جامعه‌شناسی بومی را در ذهن می پروراند، اما در عین حال تأکید بر این مقوله دارد که در فقدان انسجام نظری و روش‌شناسی، اجتماع علمی که بتواند به نظریه‌پردازی در رابطه با ساختار جامعهٔ ایران بپردازد، ایجاد نشده است. اما در مورد نویسندگان، این نکته حائز اهمیت است، نویسندگانی که به تازگی به موضوع جامعه‌شناسی پرداخته‌اند و تأکیدات بسیار کمتری نسبت به نویسندگان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

کهنه‌کارتر داشتند، بیشترین تأکید را بر مقولهٔ "اجتماع علمی" دارند. این نویسندگان تازه‌کار همان نسل چهارمی‌ها هستند. در واقع دریچه و خاستگاه نسل جدید به جامعه‌شناسی در ایران، از منظر علمی و رویکرد جامعه‌شناسی علم است. این نسل کمتر دچار افکار ایدئولوژیک بوده است و به ایجاد اجتماع علمی، عناصر آن و مسائل مربوط به فقدان این عناصر در جامعه شناسی ایران توجه دارد.

نسل چهارم، مقالات خود را به صورت فردی بیشتر در همایش سالهای ۱۳۸۵ و۱۳۸۹ ارائه داده‌اند. در حالی که بسیاری از آنها تنها یک مقاله ارائه داده‌اند و با تأکید بر یک مقوله، ۱۸درصد از تأکیدات را از آن خود کرده‌اند. اما به طور عمومی بیشتر تأکیدات آنها بر سه مقولهٔ " اجتماع علمی"،"جامعه شناسی بومی" و "سیاست" است. مقولاتی که نسل سوم نیز بر آنها تأکید داشتند، اما نکتهٔ قابل توجه در تأکید نسل چهارم توجه بسیار آنها به تاریخ ایران و نیز پرداختن به اهمیت رویکرد تاریخی در شناخت جامعه و نظریه‌پردازی است. این خود سؤال است که چه اتفاقی رخ می‌دهد که تاریخ در کانون علایق و توجه نسل چهارم قرار می‌گیرد؟

می‌توان به جرأت گفت جامعه‌شناسی همواره در مسیر شناخت تغییر و تحولات اجتماعی از زمینه‌های تاریخی به دور نبوده است. در این رابطه به طور اخص جامعه‌شناسی تاریخی نیز، "مطالعهٔ گذشته برای پی بردن به این امر است که جوامع چگونه کار می‌کنند و چگونه تغییر می-یابند"(اسمیت، ۱۳۹۲: ۱۶). در حالی که حجم نسبتا اندکی از ادبیات تاریخی ایران به مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی اختصاص یافته است (نجاتی‌حسینی، ۱۳۸۲). نسل جدید در تلاش برای فهم جامعه، درصدد پیوند و بهره‌وری متقابل میان جامعه‌شناسی و تاریخ برآمدند. آزاد ارمکی (۱۳۸۹) نیز در اشاره به مناقشات نسل چهارمی، به خاستگاه‌های جدید این نسل در رابطه با جامعهٔ ایران اشاره می‌کند. این نسل این سوال را مطرح می‌کنند که جامعه‌شناسان ما تا چه میزان جامعهٔ ایرانی را می‌شناسند؟ دروسی که می‌خوانیم برای تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی روز ایران مناسبند؟ در واقع این امر بیانگر توجه این نسل به تاریخ، هست‌های اجتماعی و شناخت بیشتر جامعهٔ ایران است.

تأکید نسل چهارم در مقولهٔ سیاست در ریز مقولهٔ سلطهٔ سیاسی بر تحقیقات در عدم بیان نتایج تحقیق و طرح مسائل جدید است. در بحث جامعه شناسی بومی، با تأکید بر تاریخ ایران آن را یک نیاز اولیه در راستای بومی‌سازی می‌دانند. مقولهٔ اجتماع علمی، مقوله‌ای که از اهمیت و تأکید بیشتری در میان نسل سوم و هم‌چنین این نسل نیز قرار گرفته است، همان‌طور که به تاریخ در بومی‌سازی و نظریه‌پردازی و شناخت جامعه امید دارند، معتقدند عدم نظریه‌پردازی در فقدان نگرش تاریخی و فلسفی است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

در مقولهٔ روش‌شناسی نیز، این نسل به مانند نسل سومی‌ها، علاوه بر این‌که معتقد به فقدان روش‌شناسی منسجم در شناخت جامعه و نظریه‌پردازی هستند، در شناخت جامعه تأکید بر تلفیق روش‌های کمی و کیفی دارند. به علاوه به تعاملات و افزایش ارتباطات میان افراد توجه دارند و بر همین اساس ضعف تعاملات درون گروهی را یکی از چالش‌های رسیدن به انسجام روش‌شناسی می‌دانند. هر چند نسل چهارمی‌ها تنها ۱۸ درصد از تأکیدات را به خود اختصاص داده‌اند، حتی با حضور کم خود، در بررسی که از تاریخ و توسعهٔ جامعه‌شناسی در ایران داشتند، به عملکرد و تفکر نسل‌های پیشین به خصوص بنیانگذارن جامعه شناسی در ایران توجهی نمی‌کنند. در واقع این نسل در بررسی تاریخ ورود جامعه‌شناسی به ایران بیش از آنکه، اندیشه و عملکرد نسل‌های پیشین را مورد مداقه قرار دهند، درصدد کشف و فهم مسائل و عوامل متعددی هستند که بر چگونگی و حیات جامعه‌شناسی تأثیر گذاشته است و گاه با سوار کردن مفاهیم جدید و الگوهای علم سنجی، فرآیند کسب این فهم را سهل‌تر می‌کنند.

روش مطالعه‌ای که نسل چهارمی‌ها در مطالعهٔ جامعه‌شناسی در ایران پیش گرفته‌اند، رجوع به پایان‌نامه‌ها،کتب و مقالات منتشر شده است که با تحلیل محتوای آنها به بررسی جامعه‌شناسی در ایران پرداختند. در واقع این نسل، موجودیت جامعه‌شناسی را با تکیه بر هست‌های آن به صورت عینی‌تر مورد مطالعه قرار داده‌اند. علاقهٔ این نسل به "هست‌ها" در تأکید آنها به رویکرد تاریخی و توجه به تاریخ ایران نیز قابل مشاهده است.

اما در مقولهٔ تصورات از جامعه‌شناسی، این نسل به مانند نسل پیشین به جامعه‌شناسی نگاه می‌کنند و تصور آنها این است که جامعه‌شناسی ابزاری در جهت نوگرایی، سیاست‌گذاری و تغییر اجتماعی در راستای توسعهٔ ملی است و در توجه به اجتماع علمی، رویکرد توسعه‌ای در درون جامعه‌شناسی را نیز در پیش دارند. تمایز این نسل در این است که در بیان راهکار توسعهٔ جامعه-شناسی به استقلال جامعه‌شناسی از سیاست معتقدند؛ اما تنها از منظر سیاست به بررسی جامعه‌شناسی و شناخت از آن نمی‌پردازند و در راستای حل مسائلی که جامعه به طور روزمره با آن مواجه است، خواهان بازخوانی مفاهیم جامعه‌شناسی و بازبینی در فهم از جامعه شناسی هستند. در توجه به تاریخ و هست‌های اجتماعی، به‌دور از نگاه ایدئولوژیک، تنها به دنبال شناخت و فهم عمیق‌تر از جهانی هستند که در آن زیست می‌کنند و همواره بر ایجاد روش‌شناسی منسجم در شناخت جامعه تأکید دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

منابع

۱. اسمیت، دنیس(۱۳۹۲) **برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی**، ترجمهٔ هاشم آقاجری. تهران: مروارید.

۲. آزادارمکی، تقی(۱۳۸۹) **جامعه‌شناسی علم مناقشه برانگیز در ایران**. تهران: علم.

۳. آزادارمکی، تقی(۱۳۸۷) «جامعه‌شناسی و جامعهٔ ایرانی»، **همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری دربارهٔ جامعه ایران**، اردیبهشت ماه ۱۳۸۷.

٤. آزادارمکی، تقی و غلامرضا غفاری(۱۳۸۳) **جامعه‌شناسی نسلی در ایران**، تهران: پژوهشکدهٔ علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

۵. ایوانز، مری (۱۳۸۷) **دانشگاه و رکود اندیشه**، ترجمهٔ پیروز ایزدی، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

٦. دیلینی، تیم (۱۳۹۲) **نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نی.

۷. فاضلی، محمد (۱۳۸٦) «ناکارآمدی جامعه‌شناسی در ایران»، **رشد آموزش علوم اجتماعی** ، شمارهٔ ۳۷: ۲۱ تا ۳۰.

۸. قانعی‌راد، محمدامین (۱۳۸۵) **تعاملات و ارتباطات در جامعهٔ علمی (بررسی موردی رشتهٔ علوم اجتماعی)**، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۹. قادری، علی (۱۳۸۹) **شکاف نسل‌ها: بررسی جامعه‌شناختی فاصلهٔ نسل‌ها از انقلاب اسلامی تا کنون**، شاهین‌شهر: مکاتیب.

۱۰. کاری، محمدرضا و حسین ابراهیم‌نیا (۱۳۹۵) **جامعه‌شناسی طبقات در ایران (شکاف‌ها و تضادها)**، تهران: آثار افکار.

۱۱. کیوی، ریمون و لوک‌وان کامپنهود (۱۳۸۲) **روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی)**، ترجمهٔ عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.

۱۲. نجاتی‌حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۲) «واکاوی هویت تاریخی، تاریخ‌نگاری و جامعه‌شناسی تاریخی ایران: ملاحظات نظری و روش‌شناختی»، **فصل‌نامهٔ مطالعات ملی**، سال چهارم، شمارهٔ ۱: ۱۵۳ تا ۱۹۰.

۱۳. هولستی، ال، آر (۱۳۷۳) **تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی**، ترجمهٔ نادر سالارزاده امیری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]

14. Valadbigi, Akbar and Ghobadi, Shahab (2011) «Challenges of Sociology in Iran (Ups and Downs and Perspective of Exit) (June 3, 2011) ». **OIDA International Journal of Sustainable Development**, Vol. 2, No. 6, pp. 71-76, 2011. Available at SSRN: http://ssrn.com/abstract=1857590

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.12.2.92]